

ایہ اللہ العظمی سید علی خامنہ ای رہبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

بعد از رحلت امام خمینی، خبرگان رهبری پرچم را بدست با کفایت
ایه الله سیدعلی خامنه ای دادند و ایشان بحق و بخوبی رهبری این
انقلاب عظیم را بعهدہ گرفته و با موفقیت بسیار بالا آن را انجام داده و
می دهند و باید گفت عزت و شکوه و پیشرفت های عظیم ملت ایران
مرهون رهبری های این شخصیت حکیم و فرزانه می باشد.

ما در این کتاب درباره این شخصیت بزرگ جهان اسلام بصورت
اختصار مطالب مختلفی در ابعاد مختلف شخصیت ایشان آورده ایم امید
است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

بهار 1402. کرمانشاه

خاندان خامنه‌ای

خاندان بزرگ «خامنه‌ای» از سادات اصیل «حسینی» و از نسل پاک امام چهارم حضرت علی بن الحسین سید الساجدین و زین العابدین علیه السلام هستند در طول تاریخ تشیع، شخصیت‌های بزرگ علمی و دینی از این خاندان ظهور کرده اند.

سید جواد خامنه‌ای

پدر بزرگوار رهبر انقلاب اسلامی آیت الله سید علی خامنه‌ای، از علمای بزرگ، مجتهدان پرهیزگار و روحانیون زاهد روزگار ما بود. در سال 1315 ق. در تبریز متولد شد و تحت تربیت پدری فقیه و عالم رشد کرد و بزرگ شد. در ایام جوانی بعد از اتمام دوره سطح، به نجف اشرف هجری کرد و در حوزه شکوهمند آن دیار، به فراگیری سطوح عالیه فقه و اصول و دیگر معارف معقول و منقول پرداخت و چون به قله

بلند اجتهاد و فقاہت رسید ، به وطن خود بازگشت . سالها در تبریز ماند .
آنگاه به مشهد مقدس رضوی عزیمت کرد و به تدریس و تعلیم و تربیت
طلاب و ارشاد مردم مشغول شد . سید جواد با دختر فضیلت پیشه عالم
معروف مشهد مرحوم سید هاشم نجف آبادی (میر دامادی) ازدواج کرد
. این بانوی گرامی زنی بود پارسا ، پاکدامن ، فداکار ، مهربان ، آشنا به
وظایف شوهرداری و تربیت فرزند ، صبور ، و الگوی سادگی و نجابت و
پاکی . سید جواد دارای چهار پسر و چهار دختر بودند . سه نفر از پسرها
یعنی آقا سید محمد ، آقا سید علی (رهبر انقلاب) و آقا سید هادی در
راه دانش و دین ، سیره نیک نیاکان خود را برگزیدند و همه از عالمان
دین شدند .

باری ، سید جواد خامنه‌ای برای فرزندانش هم پدر بود و هم معلم ، خود
را وقف تعلیم و تدریس و تربیت عالمان دینی کرد و به زندگی فقیرانه‌ای
قانع بود و در کمال زهد و پرهیزگاری زیست و پس از عمری طولانی و
پر بار ، در سال 1406 ق . - 1364 ش . بدرود حیات گفت و در جوار
ملکوتی امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام به خاک رفت .

سختی‌های دوره کودکی

ایشان از «غم نان» که بسیار تلخ و سنگین بوده و بر دل‌های پاک و ساده دوران کودکی شان سایه افکنده بود، می‌گوید:

من یادم می‌آید که آن وقتها نان کم بود، وقت جنگ (دوم جهانی) بود، سال 1321 و 22؛ که من سه - چهار ساله بودم. آن وقتها در مشهد با اینکه همه چیز هم فراوان بود و هم ارزان؛ ولی ما نان گندم نمی‌توانستیم بخوردیم! نان جو - گندم می‌خوردیم، چون نان گندم گرانتر بود، البته نان گندم دانه‌ای می‌گرفتیم برای پدرم فقط. ما نان جو - گندم می‌خوردیم، گاهی هم نان جو... وضع خیلی خوب نبود. من یادم هست شب‌هایی اتفاق می‌افتاد که در منزل ما شام نبود! مادرم با زحمت برای ما شام تهیه می‌کرد و... آن شام هم نان و کشمش بود.

منزل پدری من که در آن متولد شده‌ام، تا چهار - پنج سالگی من، یکی خانه 70 - 60 متری در محله فقیرنشین مشهد بود که فقط یک اتاق داشت و یک زیر زمین تاریک و خفه‌ای! هنگامی که برای پدرم میهمان می‌آمد و معمولاً پدر بنابر اینکه روحانی و محل مراجعه مردم بود، میهمان داشت: همه ما باید به زیر زمین می‌رفتیم تا مهمان برود! بعد

عده‌ای که به پدر ارادتی داشتند ، زمین کوچکی را کنار این منزل خریده
به آن اضافه کردند و ما دارای سه اتاق شدیم

رهبر انقلاب از این خصوصیت پسندیده پدرش چنین می گوید :

گاهی پدرم مثلاً می خواست به نماز برود ، یا به مسجد می رفت ... ما را
صدا می کرد . از بچگی به ما «علی آقا» می گفتند ، علی و محمد
نمی گفتند ، علی آقا و محمد آقا می گفتند ، احتراممان می کردند (صدا
می کردند :) علی آقا ، علی آقا! محمد آقا! ... بیایید برویم مسجد . ما
هم می دویدیم عمامه می گذاشتیم سرمان و عبا می پوشیدیم و با آقا
می رفتیم مسجد ...

در حوزه علمیه نجف اشرف

آیت الله خامنه‌ای ، از هیجده سالگی در مشهد درس خارج فقه و اصول
را در نزد مرجع بزرگ مرحوم آیت الله العظمی میلانی شروع کرده بود .
در سال 1336 به قصد زیارت عتبات عالیات ، عازم نجف اشرف شدند
و با مشاهده و شرکت در درسهای خارج مجتهدان بزرگ حوزه نجف از
جمله مرحوم سید محسن حکیم ، سید ابوالقاسم خوئی ، سید محمود

شاهرودی ، میرزا باقر زنجانی ، سید یحیی یزدی ، و میرزا حسن
بجنوردی ، اوضاع درس د و تدریس و تحقیق آن حوزه علمیه را
پسندیدند و ایشان را از قصد خود آگاه ساختند . ولی پدر موافقت نکرد .
پس از مدتی ایشان به مشهد بازگشتند .

در حوزه علمیه قم

آیت الله خامنه‌ای از سال 1337 تا 1343 در حوزه علمیه قم به
تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه مشغول شدند و از محضر
بزرگان چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی ، امام خمینی رحمه الله ،
شیخ مرتضی حائری یزدی و علامه طباطبائی استفاده کردند . در سال
1343 ، از مکاتباتی که رهبرانقلاب با پدرشان داشتند ، متوجه شدند که
یک چشم پدرشان به علت « آب چشم » نابینا شده است بسیار غمگین
شدند و بین ماندن در قم و ادامه تحصیل در حوزه عظیم آن و رفتن به
مشهد و مواظبت از پدر در تردید ماندند!

به این نتیجه رسیدند که به خاطر خدا دست از قم بردارند و به مشهد بروند و از پدرشان مواظبت نمایند . چرا که اگر خدا بخواهد دنیا و آخرت او را از قم به مشهد منتقل می کند . ایشان در این مورد می گویند :

«به مشهد رفتم و خدای متعال توفیقات زیادی به ما داد . به هر حال به دنبال کار و وظیفه خود رفتم . اگر بنده در زندگی توفیقی داشتم ، اعتقاد این است که ناشی از همان بری (نیکی) است که به پدر ، بلکه به پدر و مادر انجام داده ام .

البته ایشان در مشهد از ادامه درس دست برنداشتند و جز ایام تعطیل یا مبارزه و زندان و مسافرت ، به طور رسمی تحصیلات فقهی و اصول خود را تا سال 1347 در محضر اساتید بزرگ بویژه آیت الله میلانی ادامه دادند . همچنین از سال 1343 که در مشهد ماندگار شدند در کنار تحصیل و مراقبت از پدر پیر و بیمار ، به تدریس کتب فقه و اصول و معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان نیز می پرداختند

همگام با امام خمینی رحمه الله

آیت الله خامنه‌ای از سال 1341 که در قم بودند و حرکت انقلابی و اعتراض آمیز امام خمینی علیه سیاستهای ضد اسلامی و آمریکا پسند محمدرضا شاه پهلوی ، آغاز شد ، وارد میدان مبارزات سیاسی شدند و شانزده سال تمام با وجود فراز و نشیبهای فراوان و شکنجه ها و تبعیدها و زندانها مبارزه کردند و از هیچ خطری نترسیدند .

نخستین بار در محرم سال 1383 از سوی امام خمینی رحمه الله مأموریت یافتند که پیام ایشان را به آیت الله میلانی و علمای خراسان در خصوص چگونگی برنامه‌های تبلیغاتی روحانیون در ماه محرم و افشاگری علیه سیاستهای آمریکایی شاه و اوضاع ایران و حوادث قم ، برسانند . ایشان این مأموریت را انجام دادند و خود نیز برای تبلیغ ، عازم شهر بیرجند شدند و در راستای پیام امام خمینی ، به تبلیغ و افشاگری علیه رژیم پهلوی و آمریکا پرداختند . بدین خاطر در 9 محرم (12 خرداد 1342) دستگیر و یک شب بازداشت شدند و فردای آن به شرط اینکه منبر نروند و تحت نظر باشند آزاد شدند . با پیش آمدن حادثه خونین 15 خرداد ، باز هم ایشان را از بیرجند به مشهد آورده ، تحویل بازداشتگاه

نظامی دادند . ده روز در آنجا با سخت ترین شرائط و شکنجه و آزارها زندانی شدند و عمال پهلوی مودیانۀ ترین توهینها و تمسخرها را نسبت به ایشان اعمال کردند . ایشان می گویند : بدن بود! تجربه جدیدی بود ، یک دنیای جدیدی بود با ساواک ، با بازجویی ها و دعوای و اوقات تلخی ها ، اهانت های شدید و خلاصه ناراحتیهای مبارزه

بازداشت ششم

در بین سالهای 1353 - 1350 درسهای تفسیر و ایدئولوژی آیت الله خامنه ای در سه مسجد « کرامت » ، « امام حسن » ، « میرزا جعفر » مشهد مقدس تشکیل می شد و هزاران نفر از مردم مشتاق بویژه جوانان آگاه و روشنفکر و طلاب انقلابی و معتقد را بر این سه مرکز می کشاند و با تفکرات اصیل اسلامی آشنا می ساخت . درس نهج البلاغه ایشان از شور و حال دیگری برخوردار بود و در جزوه های پلی کپی شده

تحت عنوان « پرتوی از نهج البلاغه » تکثیر و دست به دست می گشت و فضای گرفته شهر شهادت را روشن می ساخت ! ..
. طلاب جوان و انقلابی که درس د حقیقت و مبارزه را از محضر مقام معظم رهبری در آن سالها می آموختند ، می رفتند

و در اطراف و شهرهای دور و نزدیک ایران ، افکار مردم را با آن حقایق نورانی آشنا و زمینه را برای انقلاب بزرگ اسلامی آماده می ساختند .

این فعالیتها موجب شد که در دی ماه 1353 ساواک بی رحمانه به خانه آیت الله خامنه ای در مشهد هجوم برده ، ایشان را دستگیر و بسیاری از یادداشتها و نوشته هایشان را ضبط کردند .

این ششمین و سخت ترین بازداشت ایشان بود و تا پاییز 1354 در زندان کمیته مشترک شهربانی زندان بودند . در این مدت در سلولی با سخت ترین شرایط نگه داشته شدند . سختیهایی که ایشان در این بازداشت تحمل کردند ، به تعبیر خودشان فقط برای آنان که آن شرایط را دیده اند ، قابل فهم است!

پایه گذاری «جامعه روحانیت مبارز»

آیت الله خامنه ای در سال 1356 به اتفاق عده ای از روحانیون و علمای بزرگ قم و تهران ، طرح « جامعه روحانیت مبارز » سراسر کشور را

ریختند . نقش این نهاد در طول تاریخ انقلاب اسلامی و روند آن بر هیچ کس پوشیده نیست .

در تبعید

رژیم جنایتکار پهلوی در اواخر سال 1356 آیت الله خامنه‌ای را با وضعی تأثیربار دستگیر و به ایرانشهر برای مدت سه سال تبعید کرد که البته در اواسط سال 1357 با اوج گیری مبارزات عموم مردم مسلمان و انقلابی ایران ، آن رهبر مجاهد از تبعیدگاه آزاد شده به مشهد مقدس بازگشتند و در صفوف مقدم مبارزات مردمی علیه رژیم سفاک پهلوی قرار گرفتند .

در آستانه پیروزی

آیت الله خامنه‌ای در مشهد مقدس و در صفوف مبارزه مردمی بودند و امام خمینی رهبر کبیر انقلاب در پاریس ؛ مبارزات مردمی به شدت ادامه داشت و رفته رفته اوج می گرفت . اواخر دی ماه 1357 که محمدرضا شاه پهلوی خونخوار و جنایتکار مجبور به فرار از ایران شد ، « شورای انقلاب اسلامی » با شرکت افراد و شخصیت‌های مبارز و بزرگی همچون

شهید مطهری از سوی امام خمینی در ایران تشکیل گردید ، آیت الله خامنه‌ای نیز به فرمان امام بزرگوار به عضویت این شورا درآمد . پیام امام توسط شهید مطهری به ایشان ابلاغ گردید و با دریافت پیام رهبر کبیر انقلاب ، از مشهد به تهران آمدند .

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

به دنبال شهادت مرحوم رجائی دومین رئیس جمهور شایسته اسلام و انقلاب و مردم ایران بود . آیت الله خامنه‌ای در مهرماه 1360 با کسب بیش از شانزده میلیون رأی مردمی و حکم تنفید امام رحمه الله به مقام ریاست جمهوری ایران اسلامی برگزیده شدند . همچنین از سال 1364 تا 1368 برای دومین بار به مقام و مسءولیت انتخاب شدند

رهبری و ولایت امت ، که از سال 1368 ، روز چهاردهم خرداد پس از رحلت رهبر کبیر انقلاب امام خمینی رحمه الله توسط مجلس خبرگان رهبری به این مقام والا و مسءولیت عظیم انتخاب شدند و چه انتخاب مبارک و درستی بود که پس از رحلت امام راحل ، با شایستگی تمام توانستند امت مسلمان ایران ، بلکه مسلمانان جهان را رهبری نمایند .

آثار قلمی

در پایان این مختصر ، شایسته است به آثار قلمی رهبر بزرگوار انقلاب هم نگاهی داشته باشیم :

الف - تألیف و تحقیق و نظر

- 1- طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن .
- 2- از ژرفای نماز .
- 3- گفتاری در باب صبر .
- 4- چهار کتاب اصلی علم رجال .
- 5- ولایت .
- 6- گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد .
- 7- زندگینامه ائمه تشیع (چاپ نشده) .
- 8- پیشوای صادق .

9- وحدت و تحزب .

10- هنر از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای .

11- درست فهمیدن دین .

12- پیام (مجموعه پیام)

ب - ترجمه

1- صلح امام حسن علیه السلام تألیف راضی آل یاسین .

2- آینده در قلمرو اسلام ، سید قطب .

3- مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان ، عبدالمنعم نمری نصری .

4- ادعاینامه علیه تمدن غرب ، سید قطب⁽¹⁾ .

قطره‌ای از فضائل امام خامنه‌ای

حجة الاسلام والمسلمین مروی معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری درباره آیت الله خامنه‌ای گفت : خود آقا می گفتند ما در کل خانه تنها یک فرش دستباف داریم که جهیزیه همسرم بوده که نگه داشته‌ایم و بقیه خانه موکت است .

وی اضافه کرد : قبل تر دفتر کار رهبری بالا بود و منزلشان طبقه پایین ، ایشان تعریف می کردند : گاهی من ظهرها پایین می رفتم تا یک یا دو ساعتی پیش خانواده باشم و کار را هم انجام دهم به خاطر کمردردی که دارم گفتم یک مبل دو نفره خریدند و آن را بردند منزل شب که رفتم خانه دیدم خانواده مبل را دم در گذاشته‌اند گفتم برای چی این را گذاشتید دم در ، خانمم گفت که آقا زندگی ما تا حالا طلبگی بوده این هم به زندگی ما نمی خورد ، توضیح دادم که این مبل برای کار است که وقتی خانه هستم بتوانم هم کنار شما باشم هم بتوانم به کارها برسم که با کلی اصرار خانواده پذیرفتند ولی گفتند فقط همین یکی را تحمل می کنیم نه بیشتر .

وی اضافه کرد : خانواده ما تعریف می کردند در مهمانی‌هایی که گاهی خانواده آقا هم حضور دارند خانواده رهبری ساده‌ترین لباس‌ها را به تن دارند و ساده‌ترین لباس

را همسر آقا می‌پوشند ، خود حضرت آقا هم همواره ساده‌ترین لباس‌ها را به تن میکنند و سعی می‌کنند لباس‌ها با کمترین قیمت تهیه شود .

مروی یادآور شد : آیت الله خامنه‌ای به برخی مسئولین تاکید می‌کردند که هدایایی که از خارجیها می‌گیرید و گران قیمت است مال بیت‌المال است نه مال خودتان؛ برای مثال به یکی از معاونین وزرا یک بنز گران قیمت هدیه داده شده بود که آقا گفته بود اینها در برابر هدایایی است که از بیت‌المال می‌برید پس مال بیت‌المال است ، هدایایی هم که به خودشان داده می‌شود را یا به آستان قدس می‌دهند یا پخش می‌کنند .

وی در ادامه با ذکر خاطره‌ای از مقام معظم رهبری گفت : یک بار یکی از سران عرب چهار یا پنج عبا ی گران قیمت به آقا داده بود و آقا عباها را به من داده و گفتند این را برقم بفروش از پولش 14 و یا 15 عبا بخر بده به طلاب .

معاون ارتباطات حوزوی دفتر مقام معظم رهبری اضافه کرد : چند سال قبل شب عید فطر دفتر بودیم برای استهلال و کارهای آن ، نماز را به امامت ایشان خواندیم بعد از نماز گفتند افطار را برویم منزل ما و ما تعارف کردیم که نه اگر چه تمایل داشتیم که برویم ایشان اصرار کردند که نه بیایید منزل ما ، ما هم رفتیم ، سر سفره چای بود و نان و پنیر و ظرفی حلوا ، ما با این غذاها خودمان را سیر نکردیم که برای غذای اصلی جا داشته باشیم ، به اشاره از خادم آقا که پیرمردی است پرسیدیم خبری است گفت نه همین غذاست .

وی گفت : وقتی آقا رفتند این خادم گفت خانواده آقا رفته اند مشهد و برای خانه یک ظرف بزرگ حلوا درست کرده اند افطار همین را هر شب می خوریم ، درباره سحری پرسیدیم گفت : هر شب من یک آبگوشتی برای سحر بار می گذارم و سحر با آقا می خوریم .

یک خاطره دیگر ، همین ایام ماه مبارک بود . برای قضیه استهلال ما در دفتر مانده بودیم . شب با یکی از دوستان دفتر به نماز حضرت آقا رفتیم . بعد از نماز آقا فرمودند چطور شما این موقع - موقع افطار - در دفتر هستید؟ گفتیم برای استهلال مانده ایم . فرمودند خیلی خوب ، افطار را

برویم منزل ما . ما هم دلمان می خواست که برای افطار منزل آقا برویم ، ولی تعارف هم می کردیم . گفتیم نه آقا در دفتر غذا تهیه کرده اند . فرمودند نه ، بیاید برویم . ما هم رفتیم . این آقای حاج ناصر که پذیرایی می کند ، مقداری نان و پنیر و سبزی و حلوا آورد . ما مقداری نان و پنیر ، یک مقدار هم حلوا خوردیم . ولی منتظر بودیم که غذا را بیاورند . بالاخره افطار است و با غذایی باید ادامه پیدا کند . چون ما کنار آقا نشسته بودیم . ایشان چشمشان توی چشم ما نمی افتاد ، مقداری آزادتر بودیم . این آقای حاج ناصر که می آمد ، من یک جوری علامت دادم که چیزی ادامه دارد یا نه ، که اگر ادامه ندارد ، ما همین را بخوریم و گرسنه نباشیم . اگر ادامه دارد ، خوب خودمان را به اینها سیر نکنیم . علامتی دادم . ایشان گفت نه ، ادامه ندارد . ما همان نان و حلوا و همان نان و پنیر را خوردیم . ولی اگر دفتر می آمدیم ، قطعاً غذایی که در دفتر درست کرده بودند برای همین پرسنلی که شیفت کاری داشتند چرب تر از غذای حضرت آقا بود .

بعد که افطار کردیم و حضرت آقا تشریف بردند داخل ، ما به آقای حاج ناصر عرض کردیم که این چه افطاری بود؟ اگر ما دفتر بودیم یک

غذای حسابی به ما می دادند . ایشان گفت که خانواده حضرت آقا مشهد مشرف شده اند و قبل از رفتن یک قابلمه بزرگ از این حلواها درست کرده اند . به اندازه این سه چهار شب ، افطارمان هر شب حلوا است و با حضرت آقا نان و پنیر و حلوا می خوریم . گفتم سحر چه کار می کنید؟ ایشان گفت برای سحر هم آبگوشت درست می کنیم و به اندازه یک پیاله برای حضرت آقا آبگوشت می دهیم و بقیه اش را هم خودمان می خوریم .

این برنامه غذایی آقا بود . از این نمونه ها تقریباً فراوان است که واقعاً زندگی آقا ، یک زندگی کاملاً زاهدانه است . یعنی من می توانم به جرات عرض بکنم که زندگی ایشان از نظر کیفیت ، هیچ فرقی با قبل از انقلاب نکرده است .

البته تعداد اولاد بیشتر شده اند ، عروس ، داماد و نوه و یک مقدار فضای بیشتری لازم است اما کیفیت زندگی هیچ فرقی نکرده است ، همان زندگی ، همان خانه ، همان امکاناتی که ایشان در دوره قبل از انقلاب در مشهد داشتند ، ما شاهدیم الان همان وضعیت هست .

آقا مصطفی آقا زاده بزرگ آقا همان سال اول ازدواجشان که طلبه قم بودند الان هم قم هستند خانه‌ای اجاره کرده بودند و مستأجر بودند - الان هم مستأجرند - ما را یک روز برای ناهار دعوت کردند . ما رفتیم منزل ایشان . یک سال از ازدواج ایشان نگذشته بود ، ماههای اول ازدواج ایشان بود . ما هم یک گلدان معمولی خریدیم و رفتیم که دست خالی نرویم . من واقعاً تعجب کردم که آیا این خانه ، خانه یک تازه داماد است؟! حالا نه خانه فرزند رهبر انقلاب و مقام اول کشور ، حتی خانه یک تازه داماد هم این نیست . یعنی یک خانه تازه داماد ، بالاخره یک زرق و برقی دارد؛ تا مدت‌ها این زرق و برق خانه تازه داماد و خانه تازه عروس ، هست . من توی خانه اینها ، واقعاً همان زرق و برق معمولی یک تازه داماد و یک تازه عروس را ندیدم . بسیار زندگی معمولی ، دو تا فرش ماشینی ، آن هم نه سه در چهار چون من دقت داشتم به این چیزها . دور و بر خودم را نگاه می کردم . حواسم بود و تا آنجا که می توانستم ، رصد می کردم اوضاع و احوال خانه را . دو تا فرش شش متری انداخته بودند ، دور خانه هم موکت بود و دو سه تا پستی ابری معمولی ، نه مبلمانی ، نه زرق و برقی! زندگی ساده و خوبی در آقا زاده‌های ایشان سراغ داریم .

همین چندی قبل ، یکی از دوستان دفتر گفتند حضرت آقا مبلغ زیادی را دادند و فرمودند این را جزو پولهای دفتر قرار بدهید . از پول شخصی خودم هست . جزو پولهای دفتر بگذارید . برای استفاده‌هایی که ما از امکانات می‌کنیم ، گاهی تلفنی و گاهی از امکانات بیت‌المال که استفاده می‌کنیم .

نوفا پذیرایی آقا دیگر همه جا معروف است ، یک رقم غذا ، یک رقم خورش . آقازاده‌های ایشان مراسم عروسی که داشتند ، ما هم دعوت بودیم . در همین دفتر ، چند نفری را دعوت کردند ، بستگانشان و چند نفر هم همین دفتری ها مراسم ایشان ، هیچ کدام در تالار و مفصل نبوده است . در همین دو سه تا اتاقهای دفتر بوده است . یادم هست یکی از همین جلسات مهمانی همیشه‌اش همین جوری بوده ، این سه چهار تا عروسی‌هایی که داشتند ، ما شرکت کردیم میوه ، همان میوه فصل ، آن هم دو رقم . مثلاً سیب و خیار . آن هم نه اینکه دیس بچینند بلکه توی بشقاب ، یک خیار و یک دانه سیب . با یکی از دوستان دفتر بودیم . گفت این مجلس ختم‌های تهران ، بیشتر از مجلس عروسی پسران حضرت آقا پذیرایی می‌کنند . آنها باز یک شیرینی ، چیزی هم می‌آورند

. حلوا هم می آورند . می برند دور می گردانند . باز دو سه رقم میوه می گذارند . اینجا حلوا هم نیست ، شیرینی هم که همین یک شیرینی دانمارکی و یک سیب ، یک خیار . بیشتر هم نمی شود خورد!

هیچ وقت من ندیدم سر سفره ایشان ، چه جلسات عمومی ، چه مهمانی های خصوصی ، حتی دو نفر ، سه نفر ، من ندیدم که دو رقم خورش سر سفره ایشان باشد . شبها که حضری است . مهمان داشته باشند ، نداشته باشند . یک شب یادم هست خدمت حضرت آقا بودیم . سفره انداخته بودند ، آقای هاشمی شاهرودی ، رئیس قوه قضائیه هم مهمان آقا بودند . نان و پنیر و سبزی ، یک مختصر هم سوپ خیلی رقیق ، فقط همین . برنامه شبشان یک غذای خیلی سبک و خیلی ساده است .

خلاصه ، در مهمانی های ایشان توفیقی پیدا کردیم ، هم سفره با ایشان بودیم و سعادتی داشتیم ، چه جلسات عمومی در حسینیه ، یا در منزل ایشان یا جای دیگر ، یک رقم غذا ، یک رقم خورش . من واقعاً تا حالا دو رقم ندیده ام و ایشان مقیدند به این جور قضایا .

یا راجع به همین وجوهات که عرض کردم هیچ وقت حضرت آقا استفاده نکرده‌اند و عمدتاً هم خرج طلبه‌ها و شهریه طلبه‌ها می‌شود ، بارها فرمودند که هر وقت هر چقدر دارید ، بدهید ، نگه ندارید . این را بگویم که واقعاً وضع معیشتی طلبه‌ها خوب نیست . شهریه یک طلبه که مراتب عالی حوزه را دارد طی می‌کند زن دارد ، بچه دارد و همه مراحل امتحانات حوزه را طی کرده است در قم ، حداکثر دویست و هشتاد تومان است و در شهرستانها و استانها از صد و پنجاه تومان تجاوز نمی‌کند ، بلکه پایین‌تر از صد و پنجاه تومان است . اینها را من دلم می‌خواهد مردم بدانند .

ما هر وقت خدمت آقا مطرح کردیم که آقا! شهریه را مقداری اضافه بکنیم . چون شهریه ایشان هم فقط از وجوهات است و از غیر وجوهات نیست . برای بعضی‌ها این ابهام هست که آقا مثلاً پولهای دیگر را به طلبه‌ها می‌دهند ، نه ، از همان روز اولی که حضرت آقا ، پرداخت شهریه را شروع کردند ، از وجوهات بوده است . گاهی آن اوایل ، کم هم می‌آمد ولی تا روزی که می‌خواستند شهریه را بدهند ، به لطف خدا و عنایت امام زمان ، وجوهات می‌رسید . یادم هست همان سال اول ، یک

وقت تقریباً نزدیک آخر ماه بود یعنی اول ماه نزدیک بود و باید شهریه بدهند . پول به حدّ مورد نیاز نرسیده بود . آقای غیوری خدمت آقا عرض می کنند که ما به دفتر وجوہاتتان یک مقدار قرض می دهیم که شهریه کامل داده بشود ، بعد که داشتید ، به ما برگردانید . آقا فرمودند : نه ، ما قرض نداریم . ما همانی را که داریم ، شهریه می دهیم . اگر کم آمد ، خوب کمتر شهریه می دهیم . اگر زیاد آمد ، بیشتر شهریه می دهیم . ما قرض نمی کنیم .

واقعاً همیشه هم همین جور بود . آقا هیچ وقت قرض نکرده اند . الان ما هر چه شهریه می دهیم ، همه اش از وجوہات است . هیچ پول غیر وجوہات در شهریه ما نیست . بحمداللہ ما تا حالا هیچ وقت برای شهریه ، کم نیاوردیم و این واقعاً یکی از جاهایی است که به خوبی عنایت حضرت ولی عصر (سلام اللہ علیہ) را دیده ایم . بالاخره ایشان صاحب حوزه ها هستند و ما همه خودمان را سرباز ایشان می دانیم ^(۱) .

حجت الاسلام و المسلمین محمدی گلپایگانی فرمودند : با اینکه مقام معظم رهبری می توانند از همه امکانات مادی بهره مند شوند ، سطح زندگی خصوصی ایشان از سطح زندگی یک شهروند معمولی پایین تر است .

حاج احمد آقا خمینی : من از داخل منزل ایشان مطلع هستم ، مقام معظم رهبری در خانه ، بیش از یک نوع غذا بر سر سفره ندارند . خانواده معظم له روی موکت زندگی می کنند .

امام خمینی ره : خطاب به مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوری ایشان : هر موقعی که شما به سفر می روید ، من مضطرب هستم تا برگردید . خیلی سفر نروید!

روزی بعد از ملاقات حضرت آقا با آیت الله بهاءالدینی از ایشان می پرسند که آیا

دیروز مقام معظم رهبری به اینجا آمده بود؟ ایشان در جواب می‌فرمایند: بله چند دقیقه خورشید اینجا تابید و رفت، او چون خورشید دارای خیر و برکات است.

آیت الله مصباح یزدی می‌فرمایند: اگر امثال بنده شبانه‌روز تسبیح به دست بگیریم و فقط خدا را شکر کنیم که خدا چنین رهبری را به ما داده، والله معتقدم که از عهده شکر این نعمت بر نمی‌آییم. رهبر عزیز ما تالی تلو معصوم علیه‌السلام است.

شهید دستغیب می‌فرمایند: امام فرموده: به من خدمتگزار بگویید بهتر است از اینکه رهبر بگویید. آقای علی خامنه‌ای هم این جوری است، مقام نمی‌خواهد، مقام روی او اثر نمی‌گذارد.

آیت الله حسن زاده آملی: گوش تان به دهان رهبر باشد. چون ایشان گوششان به دهان حجت بن الحسن (عج) است

شهید آوینی بعد از رحلت امام خمینی، خطاب به حضرت آقا می‌نویسد: ای وصی امام عشق، خودتان خوب می‌دانید که چقدر شما را دوست

می‌داریم و چقدر دل‌مان می‌خواست آن روز که به دیدار شما آمدیم ،
سر در بغل شما پنهان کنیم و بگرییم .

سید حسن نصرالله : اگر همه حوزه‌های علمیه و کشورهای اسلامی مان را
جست‌وجو کنیم ، فقیهی از میان فقهای شیعه نمی‌یابیم که این چنین
بزرگی‌ها و صفات متعالی در او جمع شده باشند بدان پایه که در رهبر ما
حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان ولی امر جمع شده‌اند⁽¹⁾ .

حجت السلام والمسلمین کعبی عضو مجلس خبرگان رهبری
از قول سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان نقل
می‌کند :

(1) سایت :

<http://www.leader-khamenei.com/life-story/leader-biography/66-biography-khamenei.html>

يك دفعه به همراه شورای حزب الله لبنان محضر مقام معظم رهبری بودیم . اوج سختی و تنگنایی ما بود و خیلی به حزب الله سخت می گذشت . کنفرانس شرم الشيخ هم صورت گرفته بود ، همه توطئه ها شده بود که حزب الله را نابود کنند . موقعی که ما با رهبر معظم جهان اسلام دیدار داشتیم ، ایشان به ما امید داد و فرمود : شما یروز می شوید ، این چیزها زیاد مهم نیست ، سپس اضافه کردند : من در اداره امور کشور بعضی وقتها حل مسائل برایم دشوار می شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی شود . به دوستان و اعوان و انصار می گویم که آماده شوید به جمکران برویم . راه قم را پیش می گیریم و راهی مسجد جمکران می شویم . بعد از راز و نیاز با آقا ، من احساس می کنم همانجا دستی از غیب مرا راهنمایی می کند و من در آنجا به تصمیمی می رسم و مشکل بدین صورت حل می شود و همان تصمیم را عملی می کنم .

3) حجت الاسلام فقیهی اصفهانی از اساتید حوزه علمیه قم نقل می کند : یکی از رفقا ما به نام آقای رجالی ، که خیلی رفت و آمد داشت از قدیم با حضرت آیت الله بهجت و درس ایشان را خیلی شرکت می کرد و

خیلی آدم با صفا و سالم و خوبی است ، ایشان چند مورد از ایشان را
برای ما نقل می کرد .

یکی اینکه می گفت ، آیت الله بهجت ، به این راحتی هر کسی را راه
نمی دادند برای ملاقات ، آن هم برای ملاقات های طولانی و این حرف ها
.

ولی آیت الله خامنه ای مرتب خدمت آیت الله بهجت می رسیدند و این
ها یک رابطه صمیمی داشتند . زیاد و به طور مخفیانه آقا می آمدند قم و
می رفتند خدمت آیت الله بهجت .

یکی از زمان هایی که ایشان می گفت زمان ملاقات این دو بزرگوار بوده
است ، سحر بود دو ساعت مانده به اذان صبح . ایشان می گفت که آیت
الله خامنه ای گاهی سحر می آمدند . در آن موقعیت حساس می آمدند
خدمت آیت الله بهجت و می رفتند . خوب این نشانه علاقه شدید آیت
الله بهجت به مقام معظم رهبری است که در این موقع شب و سحر آقا را
می خواستند و با هم بودند و صحبت می کردند .

بعد باز ایشان می گفتند چند سال پیش که آیت الله خامنه‌ای یک هفته‌ای تشریف آوردند قم ، جمعیت زیادی برای استقبال آمده بودند در خیابان ها .

آیت الله بهجت هم آمدند جزء جمعیت استقبال کنندگان . حالا یک مرجعی در سن حدود نود سال ! ایشان هم آمدند در جمع استقبال کنندگان آیت الله خامنه‌ای . ایشان می گفت که یک شخصی به ایشان گفت که حاج آقا شما با این سن و سال آمدید وسط این جمعیت استقبال کنندگان ؟

آیت الله بهجت فرمودند : اگر مردم می دانستند که استقبال این سید چقدر ثواب دارد هیچ کس در خانه نمی نشست .

این تعبیر خیلی زیباست که اگر مردم می دانستند استقبال این سید چقدر ثواب دارد هیچ کس تو خانه نمی نشست .

حاج آقا صدیقی هم که خوب تو مراسم آیت الله بهجت نقل کردند که چقدر آقا برای سلامتی آیت الله خامنه‌ای نذر می کردند و گوسفند نذر

می کردند و کارهائی انجام می دادند . خوب این باز نشانه شدت علاقه بود به آقا .

بعد چیزی که نقل کردند این که شش ماه قبل از فوت آیت الله بهجت ایشان فرموده بودند که : آقا را بگوئید بیایند اینجا با ایشان کار دارم .

آقا را خواسته بودند و آیت الله خامنه ای آمده بودن این جا قم . صحبت هائی با هم داشتند از جمله آیت الله بهجت فرموده بودند : خطری به سمت شما دارد می آید و من این خطر را احساس می کنم و من آن چه باید برای شما انجام بدهم ، برای سلامتی شما انجام داده ام (حالا نذر باشد یا هر چیز دیگر) .

و فرموده بودند : خودتان هم هر کاری می توانید انجام بدهید .

البته کاملش را حاج آقای صدیقی روی منبر نگفتند .

ولی بعدها یکی از دفتری های آیت الله بهجت که اطلاع داشتند و کامل تر گفتند .

گفتند چند روزی گذشت و باز دوباره حضرت آیت الله بهجت گفتند که : آیت الله خامنه‌ای را بگوئید یک نفر بفرستند من با ایشان کار دارم . حاج آقا محمدی گلپایگانی را آیت الله خامنه‌ای فرستادند پیش آیت الله بهجت .

آیت الله بهجت دو مرتبه تأکید کردند : که من برای سلامتی شما هر کاری می‌توانستم انجام دادم . خودتان هم یک کاری انجام بدهید . برای بار دوم بعد از چند روز این تأکید را آیت الله بهجت داشتند که به واسطه آقای محمدی گلپایگانی به آقا خبرش رسید و خود آیت الله خامنه‌ای هم هر کاری باید انجام بدهند انجام داده بودند .

آقا زاده آیت الله بهجت نیز می‌گفت که یک موقعی آیت الله خامنه‌ای تشریف آوردند قم ، بعد آیت الله بهجت فرمودند : همه از اطاق بروند بیرون . حالا هر کس می‌آمد ملاقات آیت الله بهجت ، پسر آقا و بعضی‌های دیگر هم حضور داشتند .

بعد می گفت : یک موقعی آیت الله خامنه‌ای که آمدند ، آیت الله بهجت فرمودند : هیچ کسی نماند ، همه بروند بیرون من با آقا حرف خصوصی دارم و بعد تا مدتی با هم بودند و به طور خصوصی و ما همه رفته بودیم بیرون از اطاق ، این قدر با هم صمیمی بودند .

4) حضرت آیه الله علامه حسن زاده آملیدر سخنرانی خود که به نظر می‌رسد در مجلس بزرگداشتی که برای تکریم از شخصیت علامه برگزار شده بیان شده مطالب جالب و مهمی را درباره رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان کرده اند .

علامه حسن زاده آملی در بخش‌هایی از سخنان خود درباره حضرت آیت الله خامنه‌ای گفته اند : رهبر عظیم الشانتان را دوست بدارید .
عالمی ، رهبری ، موحدی ، سیاسی ، دینداری ، انسانی ربانی ، پاک ، منزّه ، کسی که دنیا شکارش نکرده . من داعیه ندارم از کسی جز همان که عرض کردم :

نه شکوفه‌ای نه برگی نه همه حیرتم که دهقان به چه
ثمر نه سایه دارم کار کشت ما را؟

قدر این نعمت عظما را که خدا به شما عطا فرموده ، قدر این رهبر ولی-
در همان عبارات که سرور عزیزم جناب استاد حداد عادل عبارت آوردند
- رهبری ولی ، وفی ، الهی .

مبادا ، توجه داشته باشید مبادا ؛ آقایان اول انقلاب یادتان هست؟ چقدر
فرقه برخواستند که می خواستند کشور را تجزیه کنند؟

حواستان باشد . مبادا این وحدت ما را ، مبادا این جمعیت ما را ، مبادا این
کشور علوی را ، این نعمت ولایت را از دست شما بگیرند .

خدایا به حق پیغمبر و آل پیغمبر سایه این بزرگمرد ، این رهبر اصیل
اسلامی حضرت آیت الله معظم خامنه ای عزیز را مستدام بدار .

الهی آمین ، الهی آمین ، الهی آمین به عدد کلمات آمین .

6) آقای حسین حیدری کاشانی که سال ها توفیق درک محضر حضرت
آیت الله بهاءالدینی را داشته است ، در همین باب خاطره ای نقل نموده
است ، ایشان می گوید :

در یکی از سفرهائی که مقام معظم رهبری به قم تشریف آوردند صبح روزی بود که یکی از دوستان بزرگوار در منزل آمد و فرمود: آقا به منزل آقای بهاءالدینی می آیند، بیا برویم.

به اتفاق ایشان به منزل آقا رفتیم وارد اتاق منزل شدیم، مقام معظم رهبری اظهار لطف و مرحمت فرمود، نشستیم. آقای بهاءالدینی روی تشک با عرقچین نشسته بود، آقایانی در خدمت آقا بودند. حقیر خدمت مقام معظم رهبری عرض کردم: آقا! اگر بعضی بعد از نشست مجلس خبرگان، از رهبری حضرتعالی خبر دادند، ما سه سال قبل از فوت حضرت امام علیه الرحمه، رهبری شما را در سر می پروراندیم. فرمودند: چطور؟ عرض کردم به واسطه فرموده این مرد و اشاره به آیت الله بهاءالدینی کردم و در توضیح آن گفتم در سه نشست که در سه جمعه پیاپی که بنده در منزل محضرشان بودم این مطلب را فرمودند: روزی ابتدا به ساکن فرمودند: فلانی! قضیه قائم مقامی سرنمی گیرد. کسی که ما دلخوش به او هستیم، آقای خامنه‌ای است. بنده هم عرض کردم: بله آقا، و رفتم برای اینکه چای خدمت آقا بیاورم فرموده ایشان را یادداشت کردم. هفته بعد روز جمعه حدود ساعت ده صبح فرمودند: همانطور که

ما به شما گفتیم اینها می خواهند کاری کنند ، اما موفق نمی شوند
دلخوشی ما به آقای خامنه ای است . عرض کردم ، بله آقا و بلند شدم
رفتم یادداشت کردم و برگشتم . هفته سوم باز به همین مضامین در باره
آینده مطلبی فرمودند ، من نگاهی به چشم های آقا آیت الله بهاء الدینی
کردم ، آقا فرمود چه باید کرد؟ شما تعجب می کنی؟ اما دید ما این است
، عرض کردم بله آقا . چون سخنم به اینجا رسید آقایانیکه در خدمت آقا
بودند خوشحال شدند و تبسم کردند و مقام معظم رهبری نگاهی به آیت
الله بهاء الدینی کرد ، ایشان هم به طور عادی گفته های حقیر را می شنید
و سرمبارک در پیش داشت .

7) حجت الاسلام راشد یزدی پس از بیان مقدمه ای با این جمله که با
اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی در معرض شهادت قرار گرفتند ، اما
خواست و مشیت الهی این ذخیره را برای انقلاب اسلامی و ملت بزرگ
ایران نگه داشت .

افزود : در علم و معلومات مقام معظم رهبری هیچ شک و شبهه ای نیست
، اما

مسائل سیاسی باعث شده که برجستگی علمی ایشان پنهان بماند .

ایشان در این سخنرانی با اشاره به خاطراتی ناگفته از زندگی فردی و دیدارها و فعالیتهای فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی معظم له ، به عنوان نمونه به نقل خاطرات خود از ازدواجهای فرزندان رهبر معظم انقلاب اشاره کرده و می گویند : بنده در تمامی ازدواجهای فرزندان رهبر معظم انقلاب شرکت کردم ، در این مراسمها بزرگان و مسوئولان عالیرتبه کشور نیز حضور داشتند اما رهبری به میهمانانانشان تنها یک نوع غذای ساده داده اند و ازدواج فرزندان رهبر بس یار ساده برگزار شده است .

(8) علامه مصباح یزدی فرمودند بعد از غیبت کبری یکی از بالاترین و بزرگترین نعمتهائی که خداوند بر مسلمانان مرحمت فرموده است ، نعمت وجود حضرت آیت الله خامنه ای است .

ایشان با نقل داستانی از آیت الله اراکی خاطر نشان کردند : وظیفه ما در برابر کسی که لحظه لحظه عمرش برای میلیون ها نفر سودبخش و مایه برکت است ، بسیار سنگین است .

وی در ادامه به خاطره‌ای از رهبر انقلاب اشاره می‌کند: مصرف گوشت خانه آیت الله خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری تنها از طریق کوپن بود. ایشان در آن زمان به من فرمودند: من تاکنون غیر از همان گوشت کوپنی که به همه مردم داده می‌شود گوشت دیگری از بازار نخریده‌ام. امروز هم زندگی ایشان مثل زندگی مردم محروم و مستضعف است.

(9) آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی با ذکر خاطره‌ای از زندگی رهبر انقلاب نقل می‌کند: زندگی شخصی آقا از سادگی و سلامت خاصی برخوردار است. این سادگی به زندگی نزدیکان ایشان نیز سرایت کرده است. آقا و فرزندانش اهل تجملات نیستند.

همین اعتقاد آنان را از سوء استفاده از مقام و موقعیت بازداشته است. من این سادگی را در منزل ایشان به تماشا نشستم. روزی معظم له مرا به کتابخانه خود دعوت کردند، من در آن جا یک میز ساده و قدیمی دیدم. در کنار میز نیز یک صندلی کهنه بود. آن میز و صندلی مربوط به قبل از انقلاب بود. مقام معظم رهبری در کتابخانه ساده خود هنوز از همان میز و صندلی استفاده می‌کنند.

10) در یکی از دیدارهای خصوصی مرحوم آیت الله مروارید با رهبر معظم انقلاب ، به حضرت آقا عرض کردم : بنده برای انتخاب رشته تخصصی حوزویان ، بهترین راهنما و مشاور را جناب عالی میدانم؛ چون علاوه بر توجه و دقت وافر به تخصص های مختلف ، اشراف شما در جایگاه رهبری بر نیازهای جوامع اسلامی ، از همه بالاتر و فصل الخطاب است .

از طرفی جناب عالی در سخنرانیهای مختلف ، طلاب و فضلا را متوجه اولویتهای علمی حوزه کرده اید؛ و بر اساس بررسی بنده ، روی کلام و دفع شبهات کلامی ، فقه و پاسخ به نیازهای حکومت اسلامی ، و تبلیغ و تربیت دینی جامعه تأکی د فرموده اید . برای بنده و طلاب دیگری که در صدد انتخاب رشته تخصصی هستند ، کدامیک را اولویت نخست میدانید؟ و ادامه دادم : بنده میخواهم تکلیف خودم روشن شود؛ اگر پاسخ شما نباید طرح عمومی شود ، جای دیگری نقل نمیکنم .

ایشان ضمن توضیح دلایل اهمیت هریک ، هر سه را در یک رتبه تبیین فرمودند و سفارش کردند : میان این سه ، استعداد و علاقه طلبه ملاک قرار گیرد و بس .

مرحوم میرزا همان طور که سرشان را پایین انداخته بودند ، فرمودند : چه اشکالی دارد امثال ایشان که استعداد خوبی دارند ، در هر دو رشته فقه و کلام کار کنند و تبلیغ را هم رها نکنند؟!

آقا بلافاصله و با لبخند فرمودند : جناب عالی قیاس به نفس میفرمایید! چنین همت و برکتی فقط در امثال جناب عالی پیدا میشود که بین فقه و کلام و حدیث جمع کرده اید اما بین طلبه های کنونی ، آن هم با این گرفتاریهای مختلف و گاهی هم اتلاف وقت ها ، چنین چیزی پیدا نمیشود . همان گذشته هم افراد کمی مثل حضرت عالی موفق به جمع بین چند رشته شده اند و غالباً در یک رشته بیشتر تخصص پیدا نمیکردند!

11) آیت الله جوادی املی در یادآوری خاطره ای از مقام معظم رهبری ، از مهمانی هایی در خدمت ایشان سخن گفته است که مصطفی فرزند رهبری نیز در آن حضور داشته و پای سفره ناهار نشسته است .

به گفته وی ، آیت الله خامنه ای به فرزندشان نگاهی کرده و میفرمایند : شما به منزل بروید . آیت الله جوادی املی به رهبری میگویند که اجازه بدهید آقا زاده هم باشند . بنده از ایشان خواسته ام که بمانند . اما آقا

می‌فرمایند که این غذا از بیت المال است ، شما هم مهمان بیت المال هستید . اما برای بچه‌ها جایز نیست که بر سر این سفره بنشینند . ایشان به منزل بروند و از غذای خانه میل کنند .

آیت الله جوادی آملی گفت : من در آن لحظه فهمیدم که خداوند چرا این همه عزت به حضرت آقا عطا فرمودند⁽¹⁾ .

بوسیدن دست پدر و پدر زن

آقای غلام شاه پسندی از محافظان رهبر معظم انقلاب می‌گوید :

وقتی پدر آقای خامنه‌ای می‌اومد اگر جلسه ریاست جمهوری با یه رئیس

(1)

><http://noorportal.net/news/ShowNews.aspxID86072>

جمهور خارجی ولو بود وقتی پدر ایشون وارد می شدند
ایشون تمام قد می ایستادند به طرف پدرشون با سرعت
می دویدند نه اینکه راه بره ، می دوید می رفت پیش پدرشون
و حتما دست پدرشون رو می بوسید تا روزی که پدرشون
مرحوم شد من یاد ندارم یکبار آقای خامنه ای به پدرشون
برسه دستشون رو نبوسه .

تو مشهد ایشون حتما می رفتند به دیدار پدر زن و مادر زن شان و هر موقع
پدر خانم شون می رسید دست پدر خانمش رو می بوسید مثل پدر⁽¹⁾ .

نقش مقام معظم رهبری در پیشرفت های شگرفت ملت ایران در بیست
سال اخیر

بدون تردید بخش عمده ای از دستاوردهای شگرف کشور ایران اسلامی
در دهه اخیر در سایه تدابیر ، سیاستگذاری ها ، رهنمودها و پیگیری های
مقام معظم رهبری به دست آمده است . توصیه ها و تدابیر ایشان در
برپایی جنبش نرم افزاری و تولید علم ، مهندسی فرهنگی ، تدوین نقشه
جامع علمی کشور ، دمیدن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس ملی ، ارج
نهادن به نخبگان ، دستور افزایش نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی ،

اهتمام و عنایت ویژه به افزایش اعتبارات پژوهشی ، طرح تدوین سند چشم انداز 20 ساله و اشراف و نظارت مستمر معظم له بر مراحل اجرایی آن و ده ها و صدها سیاستگذاری و تدبیر دیگر ، همگی نشان از نگاه ژرف و آینده اندیش سکاندار نظام اسلامی دارد که با الهام از فرمایش مولای متقیان علی علیه السلام : « العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده یصال » معتقدند علم اقتدار است ، هر کس آن را به دست آورد ، می تواند غلبه داشته باشد و هر که از آن بی بهره ماند ، بر او غلبه می کنند .

(1) سایت تابناک .

به راستی چه کسی می تواند منکر آن باشد که دستاوردهای عظیم نظام اسلامی در به دست آوردن چرخه سوخت هسته ای ، تاسیس مجتمع عظیم یو . سی . اف اصفهان ، مجتمع غنی سازی نطنز ، ورود به عرصه نانو تکنولوژی ، تولید گوسفند و موش های شبیه سازی شده ، درمان بیماران نخاعی ، قلبی ، کبدی ، عروقی و چشمی با استفاده از سلول های

بنیادی ، داروی کنترل ایدز و سرطان ، داروی زخم دیابت ،
داروی سرطان پوست ، آزمایش نهایی بیش از 30 داروی درمان کننده
بیماری های صعب العلاج ، ساخت ماهواره ، ساخت موشک ماهواره بر ،
ساخت موشک های دوربرد ، زیردریایی ، موشک های کروز ،
جنگنده های پیشرفته و صدها دستاورد دیگر ، جز در سایه تدابیر و اهتمام
مستمر رهبر انقلاب به دست آمده است . مسیری که پس از پایان جنگ
تحمیلی و از سال های 71 - 70 آغاز شد و با آمد و رفت دولت ها ،
خللی در زاویه حرکت علمی کشور به وجود نیامد . در طی این میسر بود
که پله های پیشرفت و تعالی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتیم و
هم اینک به کشور اول منطقه در نرخ تولید علم ، رتبه 12 ریاضی جهانی ،
13 کامپیوتر ، 17 مکانیک ، 18 شیمی ، 26 نانو دنیا دست یافته ایم . در
7 شاخه علمی رتبه اول منطقه را داریم و در هر سه سال ، میزان تولید
علم در کشور دو برابر شود .

آیت الله عبدالنبی نمازی عضو مجلس خبرگان رهبری در گفت و گو با
خبرنگار خبرگزاری رسا ، با اشاره به نقش مقام معظم رهبری در انقلاب
اسلامی ابراز داشت : از سال 68 تا کنون که معظم له عهده دار رهبری

انقلاب بوده‌اند نقش ایشان در هدایت جامعه و حکومت اسلامی بسیار پررنگ و حائز اهمیت است .

وی تصریح کرد : رهبر انقلاب بعد از رحلت امام خمینی حکومت اسلامی و کشتی انقلاب را سکانداری کرده و با شناخت بحران ها ، حوادث ، تهدیدات و توطئه‌های دشمنان و استکبار جهانی کشور را به بهترین شکل ممکن مدیریت کردند .

این استاد حوزه علمیه قم افزود : نقش مقام معظم رهبری در خارج کردن کشور از بحران ها و مقابله با تهدیدات دشمنان و همچنین تقویت بنیه‌های سیاسی نظام اسلامی از نکات بسیار برجسته و مهمی است که به سادگی نمی‌توان آن را تبیین کرد .

وی با ستایش مدیریت و تدبیر مقام معظم رهبری در اداره کشور و انقلاب ابراز داشت : حسن مدیریت حضرت آیت الله خامنه‌ای در دوران 20 ساله تصدی ولایت فقیه ملموس و کاملاً پررنگ است و ایشان در هوشیاری ، بیداری و آگاهی دادن جامعه و عبور کشور از بحران‌های مختلف ایفاگر نقش بی‌بدیلی بوده اند .

آیت الله نمازی اضافه کرد : نقش مقام معظم رهبری در عرصه‌های نظامی ، علمی ، هسته‌ای ، فناوری و همچنین توسعه فرهنگ اهل بیت کم نظیر و مثال زدنی است .

وی با بیان اینکه در مجموعه این مطالب و روابط بین الملل و حتی توسعه فرهنگ اهل بیت ، شخص رهبری است که وارد ماجرا شده است ، تصریح کرد : امروز مقام معظم رهبری به شخصه توسعه مکتب اهل بیت را در سطح جهانی پیگیری می کنند که توسط شخص ایشان این امور به دست گرفته شده است و مجمع جهانی اهل بیت یا درالتقریب آن را انجام می دهد .

نمازی خاطر نشان کرد : هم اکنون به همت رهبر معظم انقلاب در 5 قاره جهان حوزه علمیه برای نشر معارف اهل بیت تاسیس شده است و این صرفا با تدبیر و پشتیبانی معظم له بوده است .

وی ادامه داد : اگر منصفانه بخواهیم داوری کنیم نقش مقام معظم رهبری در توسعه به معنای جامع کلمه اعم از اقتصادی اجتماعی و سیاسی که

یکی از آن در بحث اقتصادی مسئله اصل 44 و یا چشم انداز 20 ساله است از جمله تدابیر مقام معظم رهبری بوده است؛ بی نظیر است .

عضو مجلس خبرگان رهبری اظهارداشت : بنده به عنوان کسی که از سال 69 در مجلس خبرگان رهبری بوده است و شاهد و ناظر همه ماجراها و جریانات بودم موضع و عملکرد ایشان را در حد بسیار عالی می بینم و اگر بخواهیم به زبان متعارف به عملکرد ایشان نمره دهیم نمره مقام معظم رهبری به خصوص در عرصه فتنه 88 و در بحث مسئله انرژی اتمی و پیگیری و دفاع از مسایل امت اسلامی و ملت ایران نمره ایشان 20 است⁽¹⁾ .

(1) 89/06/23 آیت الله نمازی در گفت و گوی تفصیلی
با خبرگزاری فارس